

وضعیت زندگی ما



صوفیا نصرالهی
روزنامه‌نگار

دارم به این فکر می‌کنم که شاید کم‌کم باید عطای نوشتن را به لقایش بخشید. هر هفته انگار غریب‌فایده شده. نه چیزی درست می‌شود، نه چیزی پیش می‌رود و نه می‌شود سکوت کرد. از یک طرف، آدم فکر می‌کند نباید به‌سادگی پذیرفت که در این هوا نفس می‌کشیم و باید دنبال دستگاه تصفیه هوا باشیم. از طرف دیگر، به قول یکی از دوستان در مورد هوا و آب و برق واقعاً چه کاری از دست ما ساخته است؟ گیرم در مصرف خانگی آن دوتای آخر صرفه‌جویی کنیم که آن هم مشکل را حل نمی‌کند، هوا واقعاً دیگر دست ما نیست. از همین آقایانی که گویا اعضای مادام‌العمر شورای شهر هستند، بپرسید که چهار سال پیش چند روز در سال هوا آلوده بود و امسال چند روز نفس کشیدیم؟ از بحث تعدد ماشین‌ها شروع شد و رسید به سوختن مازوت و حالا اساتید دانشگاه از سوخت بی‌کیفیت می‌گویند. بعد کاش یکی توضیح بدهد که چطور موفق شدیم تمام استان‌های کشوری به این مساحت را دچار آلودگی هوا کنیم؟ از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب، نقطه‌ای سبز هوای پاک که نیست. خوش شانس‌ترین‌هایشان زدند. صبح سوار اسنپی شده بودم که وسط سرفه‌هایم گفت، حق ما این هوا نبود. جوابم این بود که: حق هیچ انسانی، حق شأنیت آدمیزاد چنین هوایی نیست.

وسط این گرفتاری‌ها، ریخته‌اند تولد یک بازیگر و چند نفر را در میهمانی دستگیر کرده‌اند. فکر می‌کردیم اواخر دهه‌ی ۷۰ دیگر این ماجراها تمام شده. فیلم رقص فلان بازیگر در عروسی بهمان کارگردان و آواز خواندن فلان مجری در تولد آن یکی و بعد ممنوع‌الکار شدن همه‌شان، مربوط به خیلی سال پیش است که خیلی چیزهای دیگر داشت درست کار می‌کرد و یک‌سری آدم هم برای حفظ شغل‌شان باید از این کارها می‌کردند. الان وسط این همه وضعیت خودمان و جهان، واقعاً فته‌اید وسط میهمانی مردم که چه شود؟ خیلی دوست دارم بدانم فقط برای من در چنین شرایطی چنین شیوه‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری‌هایی عجیب است یا واقعاً اینها کارهای غیرمنطقی‌ای هستند؟

این رفتارهای تند بی‌مورد که خشم آدم‌ها را برمی‌انگیزد، باعث می‌شود کم‌کم جامعه دچار بحران‌های بزرگی شود. مثل همین که سر خط سفید در فضای مجازی تقریباً دادگاه‌های صحرایی به‌راه افتاده و همه با هم می‌سوزند. چه شده به اینجا رسیدیم؟ از تشدید فیلترها از سال ۱۳۸۸ به بعد که فکر کردند فیس پوک، تلگرام، وبلاگ و وبسایت باعث اغتشاش می‌شود، انقدر حواس‌ها پرت جزئیات بی‌اهمیت چهارتا کانال، پنج‌تا صفحه و گرفتن و بستن‌شان شد که یادمان رفت ما در چه برهه‌ی حساس تاریخی و جغرافیایی هستیم و باید مراقب مرزها، قومیت‌ها، مردم، منابع طبیعی، آب‌وهوا و انرژی باشیم.

هفته‌ی گذشته از لحاظ فرهنگی هم مصیبت‌بار بود. ناصر مسعودی را از دست دادیم؛ بلبل گیلان که برای جامعه‌ی ایرانی با تیتراژ سریال محبوب «کوچک جنگلی» محبوب است. اما به جز آن، خواننده‌ی بزرگی نبود و از زیباترین ترانه‌هایش برای خودم «الا تی نی!» کار مشترک‌اش با مرتضی حنانه بود. علاوه بر گیلکی، به فارسی هم آوازهای محشری داشت. راست‌اش با او هم بی‌مهر بودیم. سر همان سریال «کوچک جنگلی» در کودکی یادمان نمی‌رود که مدتی صدای ناصر مسعودی را صداسیمای حذف کرد. چرا؟ چون قبل از انقلاب هم می‌خواند. صدایش یادآور ترانه‌ی شیرین «بنفشه گول» بود. چون آن‌سال‌ها حتی در این حد هم سعه‌صدر وجود نداشت و ناصر مسعودی سال‌ها از کسرت گذاشتن در کشور خودش محروم بود. این را که می‌نویسم بالای کتابخانه‌ام فیلمنامه‌ی سه‌جلدی «کوچک جنگلی» ناصر تقوایی، جاخوش کرده و البته که من عاشق همین نسخه‌ی سریال هم هستم، اما وقتی کتاب را خواندم نمی‌توانستم منکر شوم اگر به جای افعی، تقوایی پشت دوربین بود احتمالاً بزرگترین شاهکار تلویزیونی ایران رقم می‌خورد. حتی بالاتر از «هزار داستان» و «دانی جان ناپلشون». تنگ‌نظری؛ به معنای درست ندیدن گذشته و آینده و نگاه بسته، همیشه آفت ما بوده. اینکه بلاهای زیادی سرمان می‌آید و درس نمی‌گیریم هم خودش نکته‌ای است. برای پایان این ستون بیایید تیتراژ ابتدایی سریال «کوچک جنگلی» را بدون آواز و تیتراژ آخرش، با صدای ناصر مسعودی را ببینید. از آن برگ‌های پاییزی که زیر باران ریخته‌اند، بادی‌می‌زنند و کنار می‌روند تا باران گیلان، بخورد روی اسم کوچک جنگلی و آن تیتراژ آخر جادوی موسیقی و صدای ناصر مسعودی که حالا کنار مرزا کوچک جنگلی، آرام گرفته است.

۱۶
۲۴ ساعت
24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: همیهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



عکس: Gettyimages

پایان نسل طلایی

ارزیابی حذف تیم ملی فوتسال زنان ایران از جام جهانی و گفت‌وگو با فرزانه طوسی

اول دنیا برگزار می‌کردیم، می‌توانستیم حتی به جمع تیم‌های برتر برسیم، ولی عدم اردوهای مناسب و بازی‌های دوستانه خوب، به تیم لطمه زد در حالی که تمام تیم‌های حاضر در جام جهانی خیلی بیشتر از ما بازی‌های تدارکاتی خوب انجام داده بودند.»

▼ ناکامی در آسیا

تیم ملی فوتسال زنان ایران بیش از یک‌دهه با بازیکنان باتجربه و البته کاملاً اثرگذار، راهی مسابقات بین‌المللی می‌شد اما به‌جای اینکه به‌مرور بازیکنان جوان به تیم تزریق شوند تا در کنار باتجربه‌ها، به اندوخته‌شان اضافه شود، این بازیکنان مسن‌تر شدند و جانشینی نیز برای آنها تعیین نشد. تیم ملی فوتسال زنان ایران در دودوره پیاپی، قهرمان فوتسال آسیا شد و توانست طی هشت سال ژاپن - که قدرت برتر این‌رشته در حوزه زنان بود - را کنار بزند. اما در دوره اخیر به‌همان دلیلی که پیش‌تر ذکر شد، ژاپن بار دیگر قهرمانی در قاره آسیا را جشن گرفت و ایران حتی نتوانست به فینال این رقابت‌ها صعود کند و در یک بازی پردرستر به‌مقام سوم آسیا بسنده کرد. توسلی در این باره گفت: «قطعاً تیم‌نماز به جوان‌گرایی و برنامه‌ای مدون دارد و باید از همین حالا با یک برنامه‌ریزی درست، به فکر آماده‌سازی و درست‌کردن تیم برای چهارسال آینده باشیم.»

▼ شگفتی مشابه خلق نشد

تیم فوتسال دختران ایران با دوشکست و یک پیروزی، به‌ثمر رساندن هشت گل و دریافت ۱۰ گل، به کار خود در رقابت‌های جام جهانی فوتسال پایان داد. این اولین دوره رقابت‌های فوتسال جهانی در قسمت زنان بود. برای تیم ملی فوتسال مردان، حضور در اولین دوره رقابت‌های جام جهانی بسیار خوش‌یمن بود؛ چرا که این تیم با مربیگری محمدمایلی کهن در سال ۱۹۹۲، رتبه چهارم این رقابت‌های معتبر و ارزشمند را کسب کرد. اتفاقی که هیچ‌وقت در تاریخ فوتسال رخ نداده بود. دختران فوتسال تیم ایران هم در شرایطی به این رقابت‌ها رسیدند که نمایش آنها با وجود حذف در دور گروهی، اتفاقاً ارزشمند و بسیار ارائه بود. آنچه باید پذیرفت این است که تیم ملی فوتسال ایران، قدرت همیشگی خود را از دست داده است. جدای از برخی محدودیت‌ها، فوتسال ایران پس از یک عصر طلایی با بازیکنانی که پایه‌سَن گذاشته‌اند، به‌سرعت باید به فکر نسلی تازه برای جایگزینی چهره‌هایی باشد که فوتسال دختران ایران را به قهرمانی آسیا رساندند و پرچم این رشته ورزشی را بالاتر از ژاپن قرار دادند. بازیکنانی که هنوز مشابه آنها در این رشته ورزشی پیدا نمی‌شود، اما گذشت زمان علیه آنها عمل کرده است. توسلی در خصوص آینده‌نگری در فوتسال زنان گفت: «اگر می‌خواهیم که دوباره روی سکوی قهرمانی آسیا قرار بگیریم، باید تصمیم‌گیری‌های عاقلانه و در جهت حفظ منافع ملی بگیریم و از همین الان تمام شرایط را برای کادر تیم ملی فراهم کنیم تا بتوانند با جوان‌گرایی، ساختن یک تیم جدید و آماده را از همین امروز استارت بزنند و با انجام بازی‌های دوستانه خوب با تیم‌های مطرح دنیا، شرایط را برای فراگرفتن بازیکنان در شرایط سخت مسابقه، مهیا کنیم.» فراسیون فوتسال باید بپذیرد که دوره این نسل طلایی به پایان خودش نزدیک‌شده و اگر می‌خواهد بار دیگر روزهای پرفرغ فوتسال زنان فرا ببرد، باید از یک جایی و از تورنمنتی هر چند مهم، با نسلی جدید راهی شود. همان کاری که ژاپن در فوتبال و فوتسال همیشه انجام می‌دهد و طی دو دوره اخیر، جام ملت‌های آسیا را با بازیکنان زیر ۲۳ سال فدا می‌کند تا در جام جهانی نتایج درخشان‌اش را به دنیا بخوابه کند. فوتسال زنان ایران اکنون، هم برتری خود را در آسیا از دست داده، هم جزو هشت تیم برتر جهان نیست و هم دیگر قهرمان آسیا نیست؛ بنابراین باید با نگاهی تازه و البته رو به جلو، نسلی را تربیت کند تا دوباره شاهد تیمی باشیم که بازیکنان‌اش می‌توانند لژیونر شوند و در قاره آسیا افتخار آفرینی کنند.



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی همیهن

ظاهر آندمی با لایون میانگین سنی، فقط مختص تیم ملی فوتبال مردان نیست و این موضوع در فوتسال زنان وجود دارد. نسل طلایی‌ای که حدود یک‌دهه در قاره آسیا روی سکوی نخست ایستاد و توانست با اقتدار و درخشش ستارگانی چون فرشته کریمی، فرانسه توسلی، سارا شیرینیگی و... بر پام فوتسال آسیا تکیه کند؛ حالا وقت‌اش رسیده تا کم‌کم جای خود را به جوان‌ترها بدهد. حضور در اولین دوره جام جهانی فوتسال زنان هر چند با حذف تیم ملی زنان ایران در همان دور گروهی همراه شد، اما یک مزیت داشت و آن اینکه؛ با دست خالی، بدون برگزاری اردوهای مناسب و البته بدون بازیکنان جوان، نمی‌توان موفق شد. میادین بین‌المللی شاید یک‌بار با معجزه همراه باشد اما قرار نیست همیشه این اتفاق رخ دهد. تیم ملی فوتسال زنان ایران حالا همه چیز را که طی یک‌دهه اخیر به‌دست آورده بود، از دست داده است. این تیم دیگر در جایگاه نخست آسیا نیست و حتی قهرمانی قاره را نیز یدک نمی‌کشد. ژاپن با زهم بر پام قاره کهن ایستاده و تنها تیم آسیایی است که در جام جهانی توانست به دور حذفی صعود کند. در این گزارش قصد داریم در گفت‌وگو با فرزانه توسلی، کاپیتان تیم ملی فوتسال زنان ایران، از عملکرد تیم در رقابت‌های جام جهانی بنویسیم. تیمی که با شایستگی از گردونه رقابت‌ها کنار رفت و طبعاً نیازمند بازسازی نسل جدیدی در کنار باتجربه‌هاست.

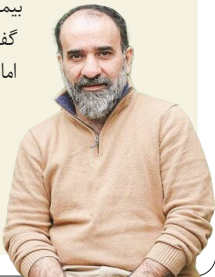
▼ افت فاحش بعد از یک‌دهه قهرمانی

۱۲ سال پیش فرشته کریمی با حضور در برنامه ۹۰، از شروع حرکت نسلی گفت که مشخص بود می‌تواند تبدیل به نسل طلایی شود. پیرپا هم نبود و همین اتفاق رخ داد. کم‌کم مردم متوجه شدند که زنان ایران می‌توانند همانند مردان در این رشته، در قاره آسیا بر پام این قاره قرار بگیرند. بیک‌بار انقلابی در فوتسال زنان ایجاد شد. قرارداد بازیکنان بیشتر شد، اردوهای خارجی شکل گرفت و چند بازیکن نیز لژیونر شدند. با این حال واضح بود اگر نسل‌سازی انجام نشود، طبعاً این نسل نمی‌تواند ۲۰ سال قدرتمندی کند و یک‌روزی باید در نهایت کنار برود. بعد از قهرمانی سال ۱۳۹۷ زنان ایران در آسیا طاهر آبرای برخی مسئولان، بزرگ‌ترین افتخاری که می‌شد در این رشته کسب شود، محقق شده بود، بنابراین باید راه‌می‌شدند تا به مسابقات جام جهانی حاضر برسیم. باتوجه به اینکه تاریخ برگزاری سومین دوره جام ملت‌های آسیا مشخص نبود، اردوی مناسبی نیز برای تیم ملی فوتسال زنان برگزار نشد. قهرمانی در جام کافا که با حضور تیم‌های متوسط و سطح پایینی برگزار می‌شد نیز امتیاز مثبتی برای تیم ملی فوتسال زنان نبود و عملاً این تیم نتوانست نقاط ضعف و حتی نقاط قوت خود را بشناسد. موضوعی که فرشته کریمی بعد حذف از جام جهانی، آن را یکی از دلایل این نتایج قلمداد کرد و گفت: «نداشتن بازی‌های بین‌المللی در سال‌های گذشته باعث شد، بازی مقابل ایتالیا را از دست بدهیم.» البته که مقابل ایتالیا در نیمه دوم به‌شکل واضحی کاهش قوای جسمانی تیم، در برابر رقیب قدرتمند و سرحالی که مدعی قهرمانی بود، آزاد کننده بود. فرانسه توسلی نیز در گفت‌وگو با همیهن، صحبت فرشته کریمی را تایید می‌کند: «مادر این سه، چهار سال گذشته تمام مسابقات‌مان معطوف به جام کافا بود که باتوجه به پایین بودن سطح کیفی این مسابقات عملاً تیم ما هیچ بازی دوستانه و تدارکاتی خوبی نداشت و بعد از جام ملت‌ها هم فقط چهار ماه زمان داشتیم تا با کادر جدید هماهنگ و آماده حضور در مسابقات جهانی شویم که این زمان اگر بیشتر بود و بازی‌های دوستانه خوب با تیم‌های مطرح و تراز

چهره

آرزوی سلامتی برای امیرخانی

رضا امیرخانی، نویسنده و منتقد شناخته‌شده این روزها در پی حادثه‌ای در بیمارستان بستری است. او از جمله نویسندگان متعهد انقلابی است که داستان‌های کوتاه و بلند، سفرنامه‌ها و مقاله‌های زیادی نوشته و آثارش به‌طور معمول پرفروش می‌شوند. او نخستین کتاب خود با نام «ارمیا» را در سال ۱۳۷۴ منتشر کرد و با اثر پرفروش «من او»، جایگاه خود را در ادبیات کشور تثبیت کرد. «قیدار»، «نجات نفت»، «رهش» و «جانبان کابلستان» از مهم‌ترین آثار امیرخانی محسوب می‌شوند. امیرخانی جز اینکه نویسنده‌ای با دیدگاه‌های خاص مانند نظام فدراتیو اقتصادی و نقد حمایت دولتی از ادبیات است، سال‌هاست دیپلم‌خانی دارد و خودش را فرمانده نیروی هوایی نویسندگان معرفی کرده است. امیرخانی، دو روز پیش در سانحه سقوط پاراگلایدر منطقه دکانود، دچار آسیب شده و هم‌اکنون در بخش مراقبت‌های بیمارستان کسری تحت‌نظر است. تیم‌درمان امیرخانی گفته‌اند، سطح هوشیاری این نویسنده، نوسان دارد اما علامت حیاتی‌اش از جمله ضربان قلب، منظم است. خانواده آقای امیرخانی دیروز بینه‌ای دادند و درباره وضعیت درمانی این نویسنده به‌صورت منظم و مستقیم، اطلاع‌رسانی کردند. برای رضا امیرخانی آرزوی بهبود و بازپایی سلامتی داریم.



کتابخانه

بازتاب خلاقانه رمان کارآگاهی

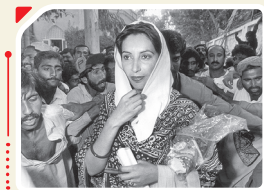
نشر ثالث چندی است رمان «مادر مرده‌های بروکلین» را منتشر کرده است. اثری نوشته، جاناتان لیتیم که اولین بار در سال ۱۹۹۹ منتشر شده است. داستان از دیدگاه لایونل اسروگ، یک کارآگاه خصوصی مبتلا به سندروم «تور» روایت می‌شود. اختلالی که وجه مشخصه‌اش، حرکات و صداها غیرارادی است. اسروگ برای فرانک مینا - مالک یک آژانس کارآگاهی کوچک که در ظاهر یک شرکت حمل‌ونقل است - کار می‌کند. لایونل همراه با سه شخصیت دیگر به‌نام‌های تونی، دنی و گیلبرت - که همگی یتیمان بروکلین هستند - خودشان را «مردان مینا» می‌نامند. وقتی فرانک به قتل معمایی و جذاب است و نویسنده نیز با نثری طنزآمیز ولی انسانی و عمیق نوشته است. از این رمان در سال ۲۰۱۹ فیلمی سینمایی به کارگردانی ادوارد نورتون ساخته شده است. «مادر مرده‌های بروکلین» که ادای دینی درخشان به رمان‌های کلاسیک کارآگاهی توصیف شده، با ترجمه ایمان بیک و قیمت ۵۵۰ هزار تومان در دسترس است.



مادر مرده‌های بروکلین
نویسنده:
جاناتان لیتیم
مترجم: ایمان بیک
نشر: ثالث

تاریخ

نخستین نخست‌وزیر زن مسلمان



دوم دسامبر ۱۹۸۸ (۱۱ آذرماه ۱۳۶۷) بی‌نظیر بوتو به‌عنوان نخستین رئیس دولت زن در کشورهای مسلمان، به نخست‌وزیری در پاکستان رسید. بوتو در آن‌زمان ۳۵ سال سن

داشت و عمده شهرت‌اش را از پدرش ذوالفقار علی بوتو داشت که پس از تأسیس حزب مردم پاکستان، طی سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۳ نخست‌وزیر این کشور بود و بعد از کودتای ضیاءالحق، دستگیر و اعدام شد. مادر بی‌نظیر، اصالتی ایرانی داشت بنابراین او علاوه بر زبان اردو و انگلیسی، زبان فارسی نیز آشنا بود. بی‌نظیر به‌دلیل مخالفت با حکومت نظامی ژنرال ضیاءالحق، بازداشت و به حبس خانگی محکوم شد. پس از آن ضیاءالحق، او را به انگلستان تبعید کرد اما دو سال بعد در ۱۰ آوریل ۱۹۸۶، بوتو به پاکستان بازگشت. بی‌نظیر بوتو دوبار - در سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۰ و ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶ - سمت نخست‌وزیری پاکستان را برعهده داشت. بوتو در سال ۱۹۹۵ از کودتای نافرجام علیه دولت‌اش زنده ماند و پس از آن، لحن محکم او علیه رقیبان سیاسی داخلی، همچنین دولت هند، سبب شد که لقب «بانوی آهنین پاکستان» را کسب کند.